

بسم الله الرحمن الرحيم

مراجع قبول در آموزش و پژوهش

(گفتارهایی در باب آموزش و پژوهش و خانواده)

نویسنده:

حبيب الله عباس تبار فيروز جاد

۱۳۹۵

سرشناسه	عباس تبار فیروزجاه، حبیب‌الله، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	موانع تحول در آموزش و پژوهش: گفتارهایی در باب آموزش و پژوهش و خانواده/ حبیب‌الله عباس تبار فیروزجاه.
مشخصات نشر	ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۶۰ ص: مصور.
شابک	۸۰۰۰۰ ریال ۷-۷۱-۶۸۴۲-۹۶۴-۹۷۸ :
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
زبان	عنوان به انگلیسی: in Development challenges.
موضوع	education
پادداشت	کتابنامه.
یادداشت	واژه نامه.
عنوان دیگر	گفتارهایی در باب آموزش و پژوهش و خانواده.
موضوع	آموزش و پرورش -- ایران
موضوع	آموزش و پرورش
موضوع	آموزش و پرورش -- ایران -- مشارکت والدین
موضوع	خانواده و جامعه -- ایران
رده بندی کنگره	۳۷۰/۳۵۵ LA
رده بندی دیویی	۳۷۰/۳۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۳۸۷۴۱



ساری- خیابان ۱۸ دی- مقابل بانک ملی (تلفکس: ۳۳۳۲۰۰۵۷)

نام کتاب: موانع تحول در آموزش و پژوهش

نویسنده: حبیب‌الله عباس تبار فیروزجاه

چاپ: بیکران - شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طراحی و مدیریت چاپ: مرکز انتشارات توسعه علوم

کدبین المللی کتاب: ۷-۷۱-۶۸۴۲-۹۶۴-۹۷۸

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

فروش: در فروشگاه های معتبر سراسر کشور - ۰۹۱۱۳۵۱۱۶۶۵ ساداتی

آدرس اینترنتی: www.copdsiran.org - copdsiran@gmail.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۵
گفتار اول:	
بررسی مسائل (اسبب های) اجتماعی در حوزه مدرسه	۹
گفتار دوم:	
موانع جالبهای تحول در نظام آموزش و پرورش	۲۷
گفتار سوم:	
آموزش و فرهنگ سیاسی	۵۱
گفتار چهارم:	
آموزش و پرورش در اندیشه سیاسی مردمسالاری دینی	۶۳
گفتار پنجم:	
روش های کاربردی برای آموزش دانش روزن (انچه یک معلم باید بداند)	۸۳
گفتار ششم:	
مدیریت خانواده و نسبت آن با آموزش	۱۲۷
گفتار هفتم:	
فرهنگ کار و کوشش بر اساس الگوی اسلامی ایرانی	۱۴۲
گفتار هشتم:	
اسبب شناسی پژوهش ارزشیابی و روش شناسی در علوم انسانی	۱۵۹
منابع و مآخذ	۱۷۸

پیشگفتار

آموزش و پرورش نماد و نمود توسعه و به تعبیری خود توسعه است. هر نوع توسعه‌ی متوازن بشیاد نظری متوازن می‌طلبد. توازن فکری، تحول رفتاری متوازن و قاعده‌مند را در جامعه پدید می‌آورد. خمیره شکوّه و شکوفایی هر جامعه در نظام آموزشی آن جامعه بسته می‌شود. آموزش در هر جامعه‌ای که صوری و غیر کاربردی (کارشناسی) باشد زبانی حیران‌ناپذیری را برانگیختگی جامعه می‌کند. وقتی در جامعه‌ی آموزش افراد را به جای آنکه جامعه پذیر کند جامعه ستیز می‌کند باید دید چه ایرادی در نحوه آموزش و پرورش جامعه دارد. غایت دانایی تعهد مدنی است (تعهد و هنجارگرایی). مدنیت نیز به بیمارگونه دلیل آن است که روش آموزش دچار انحراف و انحطاط جدی است. آموزش روش می‌خواهد و فلسفه‌ی متناسب خود را دارد. اگر فلسفه را «فکر اندیشیدن» بدانیم آموزش اندیشیدن جدی را می‌طلبد. اندیشیدن مستلزم روش نظری و تلاش تجربی جدی است. همه دانش‌ها (علوم) فلسفه‌ی علوی دارند که آموزش و پرورش فلسفه‌ی خاص خود را می‌طلبد. آموزش بدون فلسفه آموزش سفسطه‌ای بی‌نتیجه است. در جامعه‌ای که «فلسفه مانند هروئین قاچاق ملی» را به دستش رانده شود» (ابراهیمی دینانی، ۸۹: ۱۴) معیوم است علوم در آن جامعه فقیر را که کرده، در نتیجه محتوای اندشمندانه ندارد. بنابراین اگر به دنبال تحول و توسعه متوازن هستیم باید فلسفه آن نوع تحول و توسعه را کشف کنیم.

فعل و انفعالات درون نظام آموزش و پرورش نشان می‌دهد این نظام در زمینه تحول و نوآوری به شدت دچار نوسان است. مثلاً تغییرات

غیر کارشناسی و سلیقهایند تنها تغییر و تحول تنفی نمی شود، بلکه خود نوعی ناخبر و انحطاط (انفعال) است. تغییرات شتاب زده سوام با آزمایش و خطا، انرژی ها را هدر می دهند و چشمه ابتکارات را می خشکانند. ساده اندیشی است که تصور شود با عوض کردن مهره ها مدیریت به بویابی می رسد. مدیریت آموزشی مدار و محتوا و نهادمندی می خواهد. تغییرات غیر معقول به عقلیت و اشتغالی دامن می زند که مشروعیست ستیز است. نظام آموزشی هرگاه نتواند نمادهای فرهنگی را درونی کند تمام سطوح جامعه را گرفتار بحرانی می کند. ریشه های نفاق و وفاق اجتماعی را باید در نظام آموزشی ردیابی کرد. وقتی ایستگاه های ذهنی افراد آشفته باشد رفتارها و گرایانه و همگونی نیز می شود. اینکه افراد جامعه تک روی می کنند و از کارگروهی فرار می کنند یا آنان را دور زده، تا جنبه برای بازرس هم باید بازرسی دیگر گذشت دال بر این است که جامعه نسبت به "گونه های فرهنگی خودش بی اعتماد و بی اعتنا شده است. ریشه و گرایانی های اجتماعی را باید در آموزه های فرهنگی جستجو کرد. بنابراین با سیستم آموزشی نهادمند نشود بویابی اجتماعی ایجاد نمی گردد.

آموزش و پرورش نهادمند دروازه بان تحول و شکوفایی بدنی است. آن وقت ها را می زداید و افغان را برای اقدام روشمند آماده و شارژ می کند. تا آمادگی ذهنی نباشد کارایی عملی به نمر نمی رسد. همچنین انتقال ذهنی بدون بکارگیری عممی شعاری بیست نمی باشند. عمل آزمایش و خطا بدون توانایی ذهنی، کاروانی است که راهبر و جهت دهنده ندارد و با سرگردانی مسیر را طی می کند که معمولاً باید سر از ناگنج آباد در ورد (کرانه) طبیعی

است این گونه تحول و رشد رشته منسجمی نداشته‌اند. تفکدهاهاش کم و بیش بنیاد خواهند شد. در آموزش و پرورش رسمی اولاً باید بیشترین سطح نهادمندی مدنظر باشد (در نظر گرفته شود)، در ثانی آن باید در متن باشد نه حاشیه. اگر آموزش رسمی با بی توجهی از متن به حاشیه رانده شود، میراثی برای غیر رسمی هنجارشکن از حاشیه به متن می‌ماند. نماد دست‌ورزی تمدنی، سرمایه‌های اجتماعی یک جامعه را بر باد می‌دهد. اگر بدانیم که سرمایه‌های اجتماعی با چه صدماتی بدست آمده‌اند شاید این گونه غفلت زده آنها را از دست بیاوریم. بدانیم که جهت آموزه‌های غیر رسمی باید توسط نظام آموزش رسمی تعین شود که اگر چنین نشود به خواب خرگوشی غفلت فرو افتاده به بهانه نرسیده سر از خوابستان در خواهیم آورد. بنابراین ریشه تحول تمدنی، ریشه‌های نهادینه شده آموزشی است که از ریسمان آن رهایی و شکوفایی می‌رغبار آورده می‌شود (صعود و سعادت). خلاصه آموزش باید پژوهش محور و به تعبیر نویسنده‌ای فرهیخته «آموزش پرورش» (قریبالعلی حاجی تبار) باشد.

این مقالات چون در زمانها و شرایط متفاوت نوشته شده‌اند در بعضی قسمت‌ها کمی تکراری یا ناهمگون به نظر می‌آیند. اما در این گونه نوشته‌ها آن است که موانع پیش روی تحول و پیشرفت انسانها و همدار داده شود، و راهکارهایی در جهت تحول آموزشی که بن می‌دهد. در هر کشور است ارائه گردد. روش پژوهش این جستارها ترکیبی از توصیف و تحلیل و مشاهده با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای است. نگارنده ادعای مشکل‌سناسی، دلیل‌سناسی، ارمن‌پردازی و راه‌حل‌سناسی دقیق ندارد. اما سأل-

هاست که ذهنش را درگیر مسائل آموزشی و فرهنگی نموده است. پیام این
 گونه نوشته‌ها هشدار و بندآموزی و خیرخواهی است که از آن‌ها باید ترسید
 و نه باید آنها را وحی منزل گرفت. ماهیت اندیشه هشدارنیش مانند ای است
 که خرمگس روز به تعبیر سقراط نفوذ (سرایت) می‌کند. حسن ختم این
 نوشتار معصاف است با شب های قدر و شب شهادت پیام آور حکومت
 حکمت که در سینه دمی با سرودش «غزت ورب الکعبه» نسیم دادگری و
 رادکی را به وزیدن انداخت و الگوی مدارا و مدیریت در اعصار تاریخ
 بشر شده است (۱۰، ۶، ۱۳۸۹). در ۲۱ رمضان یعنی ۱۵/۳/۹۰ با کمی
 ویرایش و اضافات به الگوی انسانیت یعنی علی (ع) تقدیم می‌گردد. چون
 چاپ در تاریخ های مذکور به خاطر هزینه مالی اتفاق نیفتاد در نیمه دوم
 شعبان سال ۹۳ شمسی با اندکی ویرایش و اضافات امدهوارم به چاپ برسد
 که باز امیدمان به العاف صد مبارک باشد. همان است.

حبیب‌الله عباس‌تبار فیروزجاه